



ساندرس پیرس<sup>۱</sup> را آغازگر مکتب پراگماتیسم می‌دانند که پس از او این اندیشه به ویلیام جیمز<sup>۲</sup> رسید. از دیگر پیشگامان این فلسفه می‌توان به جان دیویی<sup>۳</sup> و جرج هربرت مید<sup>۴</sup> و فردیناند اسکات شیلر<sup>۵</sup> اشاره کرد [۱].

ریشه اندیشه پراگماتیسم را باید در افکار فیلسوفان یونانی و متفکران جدید مانند: کانت<sup>۶</sup>، هگل<sup>۷</sup> و استوارت میل<sup>۸</sup> پیدا کرد [۱].

پراگماتیسم را در فارسی به اصالت عمل، عمل‌گرایی و ابزارنگاری ترجمه کرده‌اند. این کلمه از واژه یونانی پراگما (pragma) به معنی عمل، مشتق شده است. واژه‌های پراتیک (practic) به معنی اصل عمل و تمرین و پراکتیکال (practical) به معنی «عملی» از همین کلمه ناشی می‌شود. از نظر فلسفی، پراگماتیسم یا عمل‌گرایی در پاسخ این پرسش که «معیار درست بودن یک گزاره چیست؟» می‌گوید: سودمندی و به‌کار آمدن. پس هر اندیشه‌ای زمانی درست است که به‌کار آید و مشکل را بگشاید. به‌نظر صاحبان فلسفه پراگماتیسم، غرض از حیات همان «عمل» است و «حقیقت» امری جدای از انسان نیست. بنابراین تنها دلیل برای اینکه نظری درست و حقیقی است و نظر دیگری باطل و خطاست، این است که اولی در عمل به درد انسان بخورد و برای او کارآمد و مؤثر باشد و دیگری چنین نباشد. به‌عبارت دیگر، پراگماتیسم نتایج عملی ایده‌ها و نظریه‌ها را به‌عنوان معیار تعیین ارزش و صدق آن به‌کار می‌برد [۱].

طبق یک تعریف، پراگماتیسم یا «مکتب عمل» در مقابل با «مکتب اندیشه یا نظر» تنها نوعی مسلک یا عقیده فلسفی است و متکی بر اصالت عمل و فایده و نتیجه است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این مکتب برای تشخیص صحیح از سقیم و حقیقت از غیر حقیقت، به‌جای اینکه موضوع را از نظر تئوری مورد مطالعه قرار دهند، اثر عملی و نتیجه و فایده آن را مشخص می‌کنند [۳]. از نظر

# پراگماتیسم

## رقیه زراعتی ایده‌لو

آموزگار و دکتری روان‌شناسی تربیتی

پراگماتیسم- به‌عنوان یک مکتب فلسفی- سال‌هاست مورد توجه برخی از اندیشمندان قرار دارد و به‌نظر می‌رسد موضوع باارزشی برای مطالعه است. در این مطالعه ابتدا پراگماتیسم را از نظر معنی، تاریخچه و متفکران طراز اول آن بررسی می‌کنیم و سپس ویژگی‌های فرد پراتیک (عمل‌گرا)، تئوریک (نظرگرا) و فرد خداپرست پرداخته و آن‌ها را با هم مقایسه می‌نماییم. در ادامه، به بررسی پراگماتیسم دینی و آیاتی از قرآن که به اهمیت عمل (پراگما) اشاره دارد و در پایان به نقد پراگماتیسم خواهیم پرداخت.

**پراگماتیسم**، مکتب فلسفه‌ای است که نتایج عملی ایده‌ها و عقاید را به‌عنوان معیار تعیین ارزش به‌کار می‌برد. چارلز

جامعه‌شناسی، پراگماتیست‌ها معتقدند که ما انسان‌ها اجتماعی هستیم؛ زیرا خویشتن هر یک از ما و تصویری که از «خود» داریم تا حد زیادی حاصل محیط اجتماعی است.

اکنون با توجه به جدول شماره ۱ به مقایسهٔ یک فرد پراتیک با یک فرد تئوریک و یک فرد خداپرست می‌پردازیم:  
بعد از مقایسه فوق، اینک نگاهی می‌کنیم به مبحث **پراگماتیسم و دین**:

ویلیام جیمز از مهم‌ترین نظریه‌پردازان فلسفه پراگماتیسم است که به مسئله دین نیز در آثارش توجه نموده است. پرداختن او به آثار دینی از دو نظر حائز اهمیت است: نخست آنکه وی قائل به فلسفه پراگماتیسم است و در فلسفه پراگماتیسم آثار و کارکردهای هر چیز، معیار حقانیت و صدق آن است. دوم اینکه: از نظر روان‌شناسان دینی، جیمز کتاب «انواع تجربهٔ دینی» را به‌عنوان یک درمانگر، کشیش و فیلسوف برای خودش ملاحظه می‌کند [۴]. اما باید دانست که دید ویلیام جیمز به دین شدیداً تحت‌تأثیر همان فلسفه فکری اوست، طوری که: صریحاً معیار آزمودن باورهای دینی را چگونگی آثار عملی آن می‌داند برای جیمز، «... نه منشأ و سرچشمهٔ دین بلکه شیوه‌ای که از آن طریق بر همه چیزها اثر می‌گذارد؛ مهم است». جیمز می‌گوید: «... من پراگماتیسم را به‌عنوان نوعی فلسفه مطرح می‌کنم که می‌تواند هر دو نیاز را برطرف کند. این فلسفه می‌تواند، همچون دیدگاه

جدول شماره ۱: مقایسه فرد پراتیک، تئوریک و خداپرست
<b>فرد پراتیک:</b> دارای هدف معین و معلوم است و تمام اعمال او متوجه همان هدف است. در هر کوشش وی هدف خاصی دیده می‌شود. برای رسیدن به اهدافش منطقی‌ترین، کوتاه‌ترین و ساده‌ترین راه را انتخاب می‌کند. در هر موضوعی تنها به اثر عملی و فایده و نتیجهٔ آن توجه دارد. او حتی علم را به خاطر فایدهٔ عملی که در زندگی دارد فرا می‌گیرد.
<b>فرد تئوریک:</b> اصولاً در پی اندیشه‌هاست، نظریه‌ها و نظریه‌پردازی برایش خیلی مهم است، در این راه خیلی نتیجه عملی افکار و اعمالش برایش مهم نیست. او علم را فقط برای علم یاد می‌گیرد، هنر را فقط برای هنر و ...
<b>فرد خداپرست:</b> فرد خداپرست هم مثل فرد پراتیک هدف مشخص دارد، به عمل هم خیلی اهمیت می‌دهد، منتهی اهداف و اعمال او برای خداست: «فل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین»- پرستش و نیایش من، راه رفتن و زندگی و مرگ من برای خداست که آفریدگار جهانیان است. فرد خداپرست هم مانند فرد پراتیک دنبال کوتاه‌ترین و مؤثرترین راه است. او روزی حداقل ۱۰ بار از خدا می‌خواهد که: «اهدنا الصراط المستقیم» «ما را به راه مستقیم هدایت کن» راه مستقیم کوتاه‌ترین راه است و ما را زودتر به هدف می‌رساند. اما توجه داشته باشید که این راه مستقیم با به طریقی به هدف رسیدن فرق می‌کند. الهی است و عاری از گناه و ظلم و ...

عقل‌گرایانه، دینی باقی بماند و در عین حال همچون دیدگاه‌های تجربه‌گرایانه، نزدیکی عمیق به واقعیات را حفظ کند.» در جای دیگر می‌گوید: «... برای درک معنی یک اندیشه تنها باید این امر را مشخص کنیم که این اندیشه چه رفتاری را موجب می‌شود؟ این رفتار کل معنای آن اندیشه است.» [۵].

جیمز در کتاب خود به نام «پراگماتیسم» می‌گوید: اگر حیاتی وجود داشته باشد، و فی‌الحقیقه بهتر از حیات ما باشد، که در صورت اعتقاد به آن، بتواند ما را رهبری به آن حیات افضل بنماید، بهتر است معتقد به آن شویم، مگر آنکه عقیده به آن ما را از فواید بیشتری محروم کند [۶].

از نظر پراگماتیسم، دین به دلیل داشتن ثمرات متعدد فردی- روانی مثل انسجام شخصیت، نشاط، امیدواری، بهداشت روانی و ... ضرورت کارکردی برای انسان دارد.

**اسلام و پراگماتیسم:** اکنون به هدف اصلی این مطالعه نزدیک‌تر شده‌ایم و آن بررسی رابطهٔ پراگماتیسم و اسلام است. فراتر از آن، پراگماتیسم را می‌خواهیم در آینه قرآن بررسی نماییم. ببینیم این پراگماتیا عمل در قرآن چه نمودی دارد؟ با مراجعه به تعلیمات اسلامی می‌بینیم که اسلام همواره از پیروان خود عملی نیک، مثبت و مفید می‌خواهد. عملی که سودمند باشد. ولی لزومی ندارد که سود آن فقط مادی باشد. بلکه هر عملی که سودی برای خود فرد یا مردم جامعه- در دنیا و آخرت- داشته باشد، از جدار و اصیل است. به عبارت دیگر، از نظر اسلام آن عملی اصالت و ارزش دارد که برای خدا باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت: اسلام پیش از پیرس و جیمز و دیویی، یعنی حدود ۱۳ قرن پیش، هوادار سرسخت عمل بوده است. در قرآن کریم آیات فراوانی با عبارت «عمل صالح» آمده است و خداوند به همه کسانی که عمل صالح انجام می‌دهند پاداش نیک

اسلام خواستار اجرای حق و عدالت است حتی اگر اجرای حق و عدالت برای خود فرد ضرر داشته باشد، باید اجرا شود. زیرا ارزش و مقام حق و عدالت بالاتر از آن است که به خاطر مقام فرد از بین برود. می‌بینید که این با پراگماتیسم غربی که هوادار منافع شخصی است مغایرت دارد.



پراگماتیسم هادین را به امری ابزاری و مصرفی تنزل می‌دهند، از این رو به نگرش کارکردی به دین بیش از حقیقت و ماهیت آن توجه دارند



می‌دهد. در ذیل تعدادی از آیات قرآن را که در آن بر عمل تأکید شده می‌آوریم:

از نظر قرآن، ایمان از عمل صالح جدا نمی‌شود و همواره عمل صالح مقدمه‌اش ایمان است [۷].

در تربیت اسلامی، مسلمان خداوند را بر خود و تمام اعمالش ناظر می‌داند «و هو معکم اینما کنتم و الله بما تعملون بصیر» (حدید: ۴). و او با شماست هر جا که باشید، و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

در اسلام عمل صالح اصلت دارد «من عمل صالحا من ذکر و انثی و هو مؤمن فلنحیینه حیوة طیبه و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون» (نحل: ۹۷). هر کس از زن و مرد کار نیکی انجام دهد [به شرط اینکه] ایمان داشته باشد، ما او را به یک زندگی پاکیزه حیات می‌بخشیم و بهتر از آنچه عمل کرده به او می‌دهیم.

قرآن بهترین مخلوقات خدا را انسان‌های مؤمن و صالح معرفی می‌کند: «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه» (بینه: ۷) همانان کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند آنان بهترین مخلوق خدایند [۷].

عامل رهایی از اندوه و ترس را ایمان به خدا و عمل صالح معرفی می‌کند: «ان الذین آمنوا و الذین هادوا و النصرای و الصابئین من آمن بالله و الیوم الاخر و عمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» (بقره: ۶۲) هر مسلمان، یهودی، نصارا و ستاره‌پرست که از روی حقیقت به خدا و روز قیامت ایمان آورد و نیکوکاری پیشه کند البته از خدا پاداش نیک یابد و هیچ‌گاه [در دنیا و عقبی] بیمناک و اندوهگین نخواهد شد.

بهشت پرنعمت را از آن کسانی می‌داند که ایمان و عمل صالح داشته باشند: «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات فلهم جنات النعیم» (لقمان: ۸) آنان که به خدا ایمان آوردند و عمل نیک انجام دادند باغ‌های پرنعمت برای ایشان است.

در جای دیگر از انسان‌ها می‌خواهد که مواظب [اعمال] خودشان باشند: «یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم لا یضركم من ضل اذاهتدیتم الی الله مرجعکم جمیعا فینبئکم بما کنتم تعملون» (مائده: ۱۰۵) ای اهل ایمان بر شما باد رعایت نفس خودتان. اگر همه عالم گمراه شوند و شما به راه هدایت باشید زبانی از آن‌ها به شما نخواهد رسید. بازگشت همه شما به سوی خداست. پس شما را از آنچه کرده‌اید آگاه می‌سازد.

به کسانی که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم و یشیر المؤمنین الذین یعملون الصالحات ان لهم اجرا کبیرا» (اسرا: ۹). به‌درستی که این قرآن به استوارترین طریقه هدایت می‌کند و اهل ایمان را که عمل صالح انجام می‌دهند به اجر و ثواب عظیم بشارت می‌دهد [۸]. این‌ها تعدادی از آیات قرآن در مورد عمل «پراگمات» بود. اکنون به نقد پراگماتیسم می‌پردازیم: **نقد پراگماتیسم:** پراگماتیسم با وجود محاسن زیاد مانند ایسم‌های دیگر نقاط ضعف‌هایی دارد از جمله: عدم

وجود معیاری برای تشخیص منفعت، نسبی‌گرایی غیرواقعی، آنارشویی، بی‌توجهی به ارزش‌های انسانی، نفی درستی مطلق، عدم توجه به آخرت، استقامت در راه هدف بدون توجه به نتیجه در نگاه دینی. ... [۶].

یکی دیگر از انتقادات بر نگرش دینی پراگماتیسم، عدم تمایز بین باور و عمل دیندار است. ممکن است فرد انگیزه غیردینی و حتی غیراخلاقی داشته باشد و مثلا برای فریب دادن دیگران عمل نیک انجام دهد!

همان‌طور که در متن ملاحظه فرمودید اسلام فلسفه‌ای کامل از زندگی ارائه می‌دهد که در عین حال ضعف‌های نظرگرایی، عمل‌گرایی و ... را ندارد. آیات فراوانی در قرآن در حوزه عمل آمده است که در این مقاله به بعضی از آن‌ها اشاره شد. خودم و شما را به مطالعه آیات روشنگر کتاب الهی و تأمل در آن‌ها دعوت می‌کنم. موفق باشید.

#### بی‌نوشت‌ها

1. Charls Sanders Peirc
2. William James
3. John Dewey
4. Georg Herbert Mead
5. Ferdinand C Shiller
6. Kant
7. Hegel
8. Stuart Mill

#### منابع

۱. آذربایجانی، مسعود. ۱۳۸۶. آثار دینداری از دیدگاه ویلیام جیمز. مطالعات اسلام و روان‌شناسی: ۲ (۱۴۸-۱۱۷).
۲. آنا پاتنم، روت. مترجم: یاسر خوشنویس. ۱۳۹۱. سوره تفکر. ۶۶-۱۶۷: ۶۷-۱۶۲.
۳. بازارگان مهدی. ۱۳۲۸. پراگماتیسم در اسلام. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱۲: ۲۰-۱۵.
۴. پازوکی، مهدی. ۱۳۸۹. عمل‌گرایی مدرن در دین. جاویدان خرد: ۷(۳)، ۵-۱۷.
۵. پسندیده، اسماعیل. ۱۳۹۰. نسبت مؤلفه‌های مؤثر در عمل‌گرایی حضرت امام (ره) با پراگماتیسم. ره‌آورد سیاسی: ۲۴، ۲۱۲-۱۸۵.
۶. خسروشاهی، سید هادی. ۱۳۹۰. پراگماتیسم و معنویات. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۵(۹): ۳۴-۳۱.
۷. سلیمان‌نژاد، اکبر؛ سرمدی، محمدرضا؛ عزیزی، عبدالله. ۱۳۸۹. بررسی مقایسه‌ای اهداف و اصول تربیتی در پراگماتیسم و اسلام. معرفت در دانشگاه اسلامی: ۱۴(۱)، ۱۳۰-۱۰۴.
۸. قرآن کریم
  - [۱]. پسندیده، ۱۳۹۰
  - [۲]. عقلی و عابدینی، ۱۳۹۲
  - [۳]. بازارگان ۱۳۲۸
  - [۴]. آذربایجانی، ۱۳۸۶
  - [۵]. آنا پاتنم، مترجم: یاسر خوشنویس، ۱۳۹۱
  - [۶]. خسروشاهی، ۱۳۹۰
  - [۷]. پازوکی، ۱۳۸۹
  - [۸]. سلیمان‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹